

ناگفته‌هایی از زندگی علامه امینی

حتی اهل سنت هم علامه امینی را در چاپ الغدير کمک کردند...



حتی اهل سنت هم علامه امینی را در چاپ الغدير کمک کردند/در آن زمان برخی اختصاص سهم امام به چاپ الغدير را جایز نمی‌دانستند/هیچگاه با چاپ مجدد الغدير مخالفت نکرده‌ایم، بلکه بر چاپ کامل آن اصرار داریم.
حجت‌الاسلام والمسلمین احمد امینی، فرزند علامه امینی در گفت‌وگو با مرکز خبر حوزه، گوشه‌ای از زندگی مولف کتاب ارزشمند الغدير را بازگو کرد.

* به عنوان اولین سؤال از چگونگی نشر کتاب الغدير بگویید ؟

بعضی‌ها دوست ندارند، درباره علامه امینی صحبت بشود، البته عالمان بزرگی مانند مرحوم سیدهادی میلانی و آیت الله سید محسن حکیم، خیلی به والد ما علاقه مند بودند، مرحوم امینی پولی برای نشر الغدير نداشت و در آن ایام برخی مصرف سهم امام برای نشر الغدير را جایز نمی‌دانستند و می‌گفتند : الغدير کتاب شعر است، لذا یک ریال از سهم امام در انتشار این کتاب خرج نشده و تمامی آن را دوستان علامه تقبل کردند، علامه علاقه‌مندان و دوستان بسیاری داشتند، و منحصر به شیعیان نبود بلکه در بین دوستان حتی افراد یهودی و مسیحی و اهل سنت نیز به چشم می‌خورد.

* از افرادی که با علامه امینی محشور بودند و هم اکنون نیز در قید حیاتند، چه کسانی هستند ؟

تعدادی از ایشان در تهران و قم می‌باشند از جمله آنها آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی می‌باشد.

* آیا الغدير مجلدات دیگری هم دارد ؟

بله از آنجایی که هنوز برای چاپ تنظیم نشده است، دقیقا نمی‌توان گفت؛ چند مجلد دیگر می‌شود ولی فکر می‌کنم قریب 8 مجلد باقی باشد.

* آیا این سخن درست که خانواده علامه امینی اجازه نشر ادامه کتاب ارزشمند الغدير را نمی‌دهند ؟

نه این سخن صحیح نیست، حرف ما این است که اگر می‌خواهید کتاب را چاپ کنید در آن دست نبرید الان ببینید سر بعضی از کتب چه آورده اند، اگر شنیده اید که ما می‌گوییم چاپ نکنید، حرف ما این بوده است که در کتاب دست نبرید نه اینکه چاپ نکنید.

* آیا کتاب‌های منتشر نشده دیگری از مرحوم امینی موجود می‌باشد ؟

کتاب " المطالب العلیة " یکی از کتاب‌های علامه امینی است که هنوز به طبع نرسیده است.

* مطالب این کتاب در چه موضوعی است ؟

این کتاب در چهار موضوع است ؛ موضوع اول : حیات و ممات است که در شرح آیه قالوا رَبَّنَا اَمْتَنَا اَتْتِنِینَ وَ اَحْیَیْتَنَا اَتْتِنِینَ فَاَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ اِلَیْ خُرُوجٍ مِنْ سَبِیْلِ سوره غافر آیه 11 می‌باشد؛ مطلب دوم : اسما ء الحسنی در توضیح و شرح آیه شریفه لهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى می‌باشد ؛ مقاله سوم درباره عالم ذر و بررسی آیات و روایات مرتبط با آن است و علامه در این بخش 19 آیه و بیش از هفتاد روایت در اثبات عالم ذر را مورد بررسی قرار داده و مقاله چهارم در توضیح معنا و تفسیر "اصحاب الیمینه" و "اصحاب المشئمه" می‌باشد و چند مطلب در موضوع جبر و اختیار و هدایت و ضلالت نیز در این مقاله بررسی شده است.

* این اثر کی منتشر می‌شود؟

باید تنظیم و مرتب شود هنوز مشخص نیست.

* از نحوه زندگی مرحوم امینی بگویید؟

در هنگام رحلت ایشان بنده 14 سال داشتم، در تابستان سال 49 رحلت نمودند، شیوه زندگی علامه و امثال ایشان عاشقانه بود، در اعتلای کلمه حق و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام از همه چیزشان حتی خودشان گذشتند

* رابطه ایشان با خانواده چگونه بود؟

ایشان احترام خاصی برای مادرم قائل بودند، مخصوصاً بخاطر علویه بودن مادرم به ایشان احترام ویژه ای می‌گذاشتند.

* خاطره ای از مرحوم علامه امینی در نظر دارید؟

احترام به امیر المومنین و عاقبت بخیری سارق

پدرم در بهار و تابستان به ایران می‌آمدند با اینکه خدمتکار در منزل داشتیم، اما مادرم عادت نداشت دستور بدهند و منع کرده بودند و اجازه نداشتیم به خدمتکار دستوری بدهیم، اگر ناخودآگاه می‌گفتیم فلانی برام آب بیار، جلوی ما را می‌گرفتند با اینکه یک زن و شوهر خدمتکار بودند و پدر در تابستان ما را به سفر می‌بردند، تا مادرم استراحت کند، بیاد دارم من هفت یا هشت ساله بودم و منزلمان در امیریه تهران بود، به پیشنهاد پدر به منزل یکی از دوستان صمیمی پدرم در کرمانشاه رفتیم و ایشان مرد بسیار مهربانی بودند، چند روزی در آنجا ماندیم تا اینکه در روز دوم یا سوم بود که مادرم به پدرم گفت: آقا لطفاً برگردیم تهران، دلشوره دارم، پدرم گفتند: اگر به تهران برویم و دوباره رفت‌وآمدها به منزل زیاد می‌شود و خسته می‌شوید، بهتر است استراحت کنید.

پدرم عالمی بود اهل محبت و احترام زیادی برای مادرم قائل بود، بالاخره به درخواست مادر به تهران برگشتیم و دیدیم خانه را دزد زده است. در همسایگی ما مرد بزرگواری زندگی می‌کرد که وکیل مجلس و انسانی مقدس و از دوستداران پدرم بود، ایشان به رییس آگاهی و کلانتری گفتند به این ماجرا رسیدگی کنند، کارشناسی از آگاهی به منزل ما آمد و از پدر اجازه گرفت و منزل را بررسی کردند، بعد از بررسی و تحقیق و یافتن رد پا به پدرم گفت: دزد تازه کاری بوده و بزودی دستگیر می‌شود، پدرم گفت: دنبال این دزد را نگردید گفتند: چرا؟ پدرم گفتند: این شخص به اتاق من رفته که صندوق چوبی در آنجا نگهداری می‌شد و اسناد کتابخانه امیر المومنین و مقداری وجوهات را در آنجا گذاشته بودم و قفل را شکسته بود، اما وقتی متوجه شده این اموال و اسناد مربوط به کتابخانه امیر المومنین می‌باشد، به احترام آن حضرت دست به پول‌ها نزده است و بخاطر همین احترام عاقبت بخیر می‌شود.

* علامه چرا به تهران آمده بودند؟

چون در آن ایام ایشان مشغول نوشتن الغدیر بودند، یکی از کارهای مرحوم پدرم حضور در کتابخانه‌های مرجع بود و از آنجاییکه تهران مرکزیت داشت لذا ایشان در تهران سکنی گزیدند.

* از وصایا و توصیه‌های علامه امینی بگویید؟

اجازه بدهید در این جهت مطلبی از کتاب الغدیر نقل کنم، مرحوم والد در صفحه اول الغدیر دو حدیث آورده اند و هر دو از منابع اهل سنت نقل شده است

* حدیث اول:

«#;البلاغ المبین بلسان النبی الأعظم صلی الله علیه و آله و سلم : «#;عنوان صحیفة المؤمن: حبّ علی بن ابي طالب[1]؛ [raquo] از زبان پیامبر بزرگوار- صلی الله علیه و آله سرآغاز طومار و برنامه هر فرد با ایمان، دوستی علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.

* حدیث دوم:

«#;من سرّه أن یحیی حیاتی و یموت مماتی و یسکن جنة عدن غرسها ربّی، فلیوال علیاً من بعدی، و لیوال ولیّه، و لیقتد بالأئمة من بعدی، فإنهم عترتی، خلقوا من طینتی، رزقوا فهماً و علماً، و ویل للمکذّبین بفصلهم من أمّتی، القاطعین فیهم صلتی، لا أنالهم الله شفاعتی[2]؛ [raquo] هر کس خوشنود و شادمان باشد به این که زندگانی و مرگ او هم آهنگ و همانند زندگی و مرگ من باشد و جایگاه او در بهشت آراسته جاودانی باشد که نهال آن را پروردگار من بدست قدرت خود نشانده. باید پیروی کند و دوست بدارد علی

عليه السلام را، پس از من پیروی کند و دوست بدارد پیرو و دوست او را، و به پیشوایان بعد از من اقتدا نماید چه آنان عترت من هستند و از سرشت من آفریده شده‌اند و از سرچشمه درك و دانش، نصیب کافی گرفته‌اند، وای بر آن گروه که فضیلت و برتری آنها را دروغ پنداشته و رشته پیوسته مرا با آنها قطع کند،! خداوند شفاعت مرا بآنان نرساند.

حضرت در این حدیث می‌فرماید، نه تنها علی را دوست بدار بلکه دوست دار علی را هم دوست بدار و دوست دار علی یعنی پیرو حق، حتی اگر یک مسیحی بود، حق جو و حق طلب، علی بن ابیطالب را دوست دارد او را دوست داشته باش لذا می‌بینیم علامه امینی اهل ادب بود و چون ادب داشت در بین مجامع علمی مختلف جایگاه خود را یافت وصیت امیر المومنین تنها درباره اولادش نیست، بلکه درباره خلق خداست همه مصائب ما بخاطر دور افتادن ما از فرهنگ اهل بیت و سخنان ایشان است.

* از کتاب‌هایی که در شرح حال مرحوم علامه امینی نوشته شده است کدام یک به واقع نزدیک تر است ؟

یکی زندگی نامه در شرح حال مرحوم والد توسط شیخ محمد رضا امینی، فرزند ایشان در مقدمه ج اول الغدیر چاپ انتشارات امیر المومنین موسسه خیریه موحدی در سال 1396 نوشته شده است که می‌توانید مراجعه کنید و دیگر کتاب ربع قرن با علامه امینی نوشته حاج حسین عارف شاکری است که ایشان از عاشقان علامه بودند و تاجر و صنعت کار بود و کارخانه کفش داشت و الغدیر را ایشان چاپ کردند و خاطرات زیادی از امینی داشتند، ایشان آنقدر با علامه مأنوس بود که نویسنده شد و بیش از سی جلد کتاب نوشت از جمله، مختصر احقاق الحق و دیگر کتب و می‌توان گفت، از آثار معنوی مرحوم علامه امینی همین « حاج حسین شاکری؛ است و پسر ایشان الان در قید حیات هستند و ساکن قم می‌باشند .